

دانشگاه آزاد اسلامي

واحد الکترونیکی

دانشكده علوم انساني، گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد(**M.A**)

در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان

مسئولیت دولت در جبران خسارت بزه دیدگان جرایم عمدی

استاد راهنما

دکتر علیرضا میلانی

استاد مشاور

دکتر فاطمه محمدی

نگارش

عليرضا رضايي

تابستان 1392





معاونت پژوهش وفن آوری

به نام خدا

منشور اخلاق پژوهش

با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به اینکه عالم محضرخداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانش در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری ، ما دانشجویان و اعضای هیات علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی ود نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:

1 – اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت .

2 – اصل رعالت حقوق : التزام به رعالت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان ( انسان ، حیوان و نبات ) و سایر صاجبان حق .

3 – اصل مالکیت مادی و معنوی : تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش .

4 – اصل منافع ملی : تعهد به رعالت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش .

5 – اصل رعایت انصاف وامانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانبداری غیر علمی و حفاظت از اموال تجهیزات و منابع در اختیار.

6 – اصل راز داری : تعهد به صیانت ازاسرارواطلاعات محرمانه افراد،سازمانها وکشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق .

7 – اصل احترام : تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعالت جانب نقد و خودداری ازهرگونه حرمت شکنی.

8 –اصل ترویج:تعهدبه رواج دانش واشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی ودانشجویان به غیرازمواردی که منع قانونی دارد .

9 – اصل برائت : التزام به برائت جویی از هرگونه رفتار غیر حرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیر علمی می آلایند .



**بسمه تعالی**

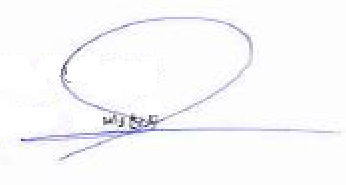
**تعهد نامه اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی**

اینجانب **عليرضا رضايي** دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته در رشته **حقوق جزا و جرم شناسي** که در تاریخ **30/ 06/ 1392** از پایان نامه خود تحت عنوان" **مسئولیت دولت در جبران خسارت بزه دیدگان جرایم عمدی**" با کسب نمره **18** و درجه **بسيار خوب** دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می شوم:

1. این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام.
2. این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزشی عالی ارائه نشده است.
3. چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و... از این پایان نامه یا رساله داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
4. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:عليرضا رضايي

تاریخ و امضاء:25/07/1392



|  |
| --- |
| نمونه فرم  تایید استاد راهنما برای ورودی های قبل از 95 |

در تاریخ:30/06/1392

دانشجوی کارشناسی ارشد آقا/خانم **عليرضا رضايي** از پایان نامه خود دفاع نموده و با نمره **00/18** بحروف **هجده تمام** و با درجه **بسيار خوب** مورد تصویب قرار گرفت.

**امضا استاد راهنما:**

**تاريخ :20/07/1392**



\*ارزیابی کمی پایان نامه ها (برای دانشجویان ورودی ماقبل 1395)

|  |  |
| --- | --- |
| **نمره** | **درجه** |
| 18-20 | عالي |
| 1/16-18 | بسيار خوب |
| 1/14-16 | خوب |
| 12-14 | قابل قبول |
| کمتر از 12 | مردود |

**تقدیم به**

**سپاسگزاري**

**فهرست مطالب**

عنوان صفحه

[چکیده 1](#_Toc398370758)

[مقدمه 2](#_Toc398370759)

[الف - بیان مساله 2](#_Toc398370760)

[ب - اهمیت و ضرورت پژوهش 4](#_Toc398370761)

[ج - اهداف پژوهش 5](#_Toc398370762)

[د - سوالات پژوهش 5](#_Toc398370763)

[هـ- فرضیه پژوهش 5](#_Toc398370764)

[و - پیشینه پژوهش 6](#_Toc398370765)

[ز - روش تحقیق و ساماندهی آن 6](#_Toc398370766)

[بخش اول:تبیین مفاهیم،پیشینه و عوامل بزه دیدگی افراد آسیب پذیر و انواع تدابیر حمایتی 7](#_Toc398370767)

[فصل اول: تبیین مفاهیم و پیشینه حمایت از بزه دیدگان 8](#_Toc398370768)

[مبحث اول: تبیین مفاهیم حمایت از بزه دیدگان 8](#_Toc398370769)

[گفتار اول: بزه دیدگان و انواع آن 8](#_Toc398370770)

[الف - معنای لغوی بزه دیده 8](#_Toc398370771)

[ب - انواع بزه دیده 10](#_Toc398370772)

[بخش دوم: مبانی و شرایط جبران خسارت از بزه دیده توسط بزهکار و راهکارهای قانونی آن 55](#_Toc398370821)

[فصل اول: مبانی و شرایط جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار و الگوهای آن 56](#_Toc398370822)

[مبحث اول: جبران خسارت توسط بزهکار 56](#_Toc398370823)

[گفتار اول: مبانی و اهداف جبران خسارت توسط بزهکار 56](#_Toc398370824)

[بند اول: ‌‌شرایط جبران خسارت 62](#_Toc398370835)

[الف - 1) لزوم تقاضای زیان دیده یا شاکی خصوصی 63](#_Toc398370836)

[الف -2) قضایی بودن رسیدگی به جبران خسارت 63](#_Toc398370837)

[بند دوم: جبران خسارت مازاد بر دیده 65](#_Toc398370842)

[الف - دلائل دیدگاه قبول خسارت مازاد بر دیه 65](#_Toc398370843)

[الف - 1) بناء عقلاء یا سیره عقلاء 65](#_Toc398370844)

[الف - 2) قاعده لا ضرر 66](#_Toc398370845)

[الف- 3) قاعده تسبیب 66](#_Toc398370846)

[الف - 4) قاعده نفی حرج 66](#_Toc398370847)

[ب - موضع قانون گذار ایران 67](#_Toc398370848)

[مبحث دوم: انواع خسارت و روش‌‌های جبران آن توسط بزهکار 69](#_Toc398370849)

[گفتار اول:‌‌ جبران خسارت مادی بزه دیده و روش‌‌های جبران آن 69](#_Toc398370850)

[الف - جبران خسارت مادی بزه دیده 69](#_Toc398370851)

[ب - شیوه‎های جبران خسارت مادی بزه دیده 70](#_Toc398370852)

[1 - خسارت ناشی از منافع ممکن الحصول 70](#_Toc398370853)

[2 - خسارت جسمانی 71](#_Toc398370854)

[گفتار دوم - جبران خسارت معنوی بزه دیده و روش‌‌های جبران آن 71](#_Toc398370855)

[الف - جبران خسارت معنوی بزه دیده 71](#_Toc398370856)

[الف - 1) خسارت ناشی از آبرو و حیثیت 72](#_Toc398370857)

[الف - 2) خسارت روحی و روانی 73](#_Toc398370858)

[ب - روش‌‌های ترمیم خسارت معنوی 74](#_Toc398370859)

[بند اول: جبران از طریق غیر مالی: 74](#_Toc398370860)

[الف) ترمیم خسارت معنوی با بیمه 74](#_Toc398370861)

[ب) الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید 74](#_Toc398370862)

[بند دوم: شیوه جبران از طریق مالی: 75](#_Toc398370863)

[فصل دوم: مبانی، شرایط و روش‌‌های خسارت زدائی جمعی 77](#_Toc398370864)

بحث، [نتیجه گیری و پيشنهادات 92](#_Toc398370887)

[فهرست منابع و ماخذ 98](#_Toc398370890)

**چکیده**

جبران خسارت وارده ناشی از ارتکاب جرم همواره به عنوان یکی از دغدغه های اصلی قابل طرح است. برای تضمین و تسهیل جبران خسارت، راهکارهای مختلفی توسط مقنن اندیشیده شده است.

مهمترین مساله ای که هنگام وقوع جرمی مطرح می‌‌شود، جبران خسارت بزه دیده است. در قدم اول، همه ی نگاه ها متوجه ی بزهکار است کسی که با ارتکاب جرم، به دیگری خسارت وارد نموده است. اما واقعیت نشان می‌‌دهد که دل بستن به جبران خسارت در همه ی موارد توسط بزهکار، امیدی عبث و آرزویی دست نیافتنی است به ناچار باید در جستجوی اشخاص دیگر برآمد که به این امر اقدام نمایند:همانند دولت.

مهمترین دغدغه خاطر بزه دیدگان جرائم پیش از آنکه اجرای مجازات بزهکار باشد جبران خسارتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌‌اند. به همین جهت، جبران خسارت بزه دیده نقش بسیار مهمی را در سیاست جنایی داراست و متولیان و مقامات مسئول همواره می کوشند و نیز این‌‌که جبران خسارت گاه جایگزین مجازات و گاه به مثابه مجازات است.

امروزه جبران خسارت دولتی یکی از مهم ترین ابزارهای سیاست جنایی برخی کشورهاست. گر چه از منظر حقوقی نمی‌‌توان برای این اصل، مبانی مسئولیت مدنی تصور نمود، اما از منظر فقهی در خصوص قتل، می توان برای دولت مسئولیت مدنی در این زمینه تصور نمود به هر حال این‌‌که همه ی کشورها جبران دولتی خسارت را در همه جرائم نپذیرفته اند و آن را به جرائم خاصی محدود کرده‌‌اند، می‌‌تواند حکایت از آن داشته باشد که اصل مورد بحث، بر مبانی مسئولیت اجتماعی دولت مبتنی است و نه بر مبنای مسئولیت مدنی آن جبران دولتی خسارت بزه دیدگان در حقوق ایران از حمایت های قانونی و اجرایی لازم برخوردار نیست و تحت تأثیر تحولات حوزه بزه دیده شناسی حمایتی شکل نگرفته است. منوط کردن موارد جبران دولتی خسارت وارد بر بزه دیدگان به شرایط مبهمی چون بی گناه بودن یا مهدور الدم نبودن بزه دیده، و همچنین پیش‌‌بینی مسئولیت جبران خسارت برای عاقله بزهکار، سرنوشت‌‌ سازوکارهای حمایتی محدود پیش‌‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی را در عمل با ابهام رو به رو ساخته است.

در پاسخ به سوالات پژوهش، چنین به نظر می‌‌رسد که بزه دیده شناسی در گام اول کاملاً جنبه جرم شناختی و علت شناسانه داشته و به تدریج به سمت بزه دیده به عنوان عامل اصلی جرم که خسارت به وی وارد شده و باید مورد حمایت قرار گیرد تغییر یافته و همچنین در خسارت زدائی جمعی برخلاف میانجیگری هدف اجتناب و دوری از نظام کیفری نیست بلکه هدف تکمیل اقدامات دستگاه قضایی و دادسرا است. ترمیم خسارت جمعی قربانیان جرم معمولاً در مواردی که مباشر جرم معلوم نیست صورت می‌‌گیرد.

کلید واژگان: بزه دیده، بزهکار، جرم عمدی، جبران خسارت، سیاست جنایی.

مقدمه

الف - بیان مساله

ضرورت حمایت از بزه دیدگان جرم و نقش آنها در تحقق عدالت اجتماعی بر کسی پوشیده نیست لذا چیزی که در این میان مهم و راهگشا می باشدشناسایی و اولویت بندی نیازهای اساسی بزه دیدگان است و سپس بررسی راهکار و سیاست های جنایی در راستای حمایت از بزه دیدگان است.

به نظر می‌‌رسد مهمترین دغدغه خاطر بزه دیدگان جرایم، بیش از آنکه اجرای مجازات بزهکار باشد جبران خسارتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده اند به همین خاطر،جبران خسارت بزه دیده نقش بسیار مهمی را در سیاست جنایی داراست. اینکه جبران خسارت بزه دیده شرط بهره مندی بزهکار از آزادی مشروط، تعلیق مجازات، ارجاع پرونده به میانجی گری کیفری، تخفیف و یا معافیت از مجازات است و نیز اینکه جبران خسارت گاه جایگزین مجازات و گاه به مثابه مجازات است، شواهد خوبی بر مدعای پیشین است با وجود این عوامل مختلفی باعث شده است که دل بستن به جبران خسارت توسط بزهکار در همه ی موارد، آرزوی عبث و امیدی خام جلوه نماید،در نتیجه ضرورتها ایجاب نموده است که دولت به این مهم اقدام کند و قوانینی را در این وضع نماید و البته نیت ما از انجام این پژوهش این است که در یابیم مهم به طور واقعی و دقیق و کارآمد تا چه حد به خوبی مورد توجه قرار گرفته و اینکه قوانین در این باب و بالاخص در جرایم عمدی چه خلاءهایی را دارند که جبران این خلاءها بیش از پیش سبب ایجاد آسایش و آرامش برای بزه دیده جرم عمدی شود.

حمایت از بزه دیده طیف وسیعی از اقدامات را همچون حمایت پزشکی، روانی، اجتماعی، حقوقی و غیره را در بر می گیرد اما بدون شک مهمترین حمایت، حمایت مالی از بزه دیده یعنی جبران خسارت از او می باشد.

در بسیاری جرم انگاری های [[1]](#footnote-1) کیفری هدف اصلی و اولیه حمایت از بزه دیده می باشد و در درجه اول جبران زیان های او را ملاک قرار داده اند حتی در جرم سنگینی مانند قتل عمد که از جرایم عمدی می باشد و نظم عمومی را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد، به نظر می‌‌رسد هدف اصلی جرم انگاری آن حفظ منافع شخصی و تشفی خاطر زیان دیده است، چنانکه سرنوشت قاتل به دستان خانواده مقتول سپرده می‌‌شود، اگر بخواهند او را می بخشند، اگر بخواهند دیه می گیرند و اگر بخواهند قصاص میکنند.

بزه دیده ‌شناسی از شاخه‌های جرم‌شناسی می‌باشد و کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی و در سال‌های اخیر اعلام وجود نموده است. در بزه دیده‌شناسی به دلیل غفلتی که سالیان سال در خصوص مجنی‌علیه (بزه دیده) مطرح بوده، پژوهش‌ها بر قربانی جرم متمرکز شد تا نقش شخصیت او در تکوین جرم معین گردد و این امر تحول عمیقی در علت شناسی جنایی بود و بزه دیده‌شناسی شکل گرفت و به مرحله‌ای رسید که لازم است بزه دیده بیش از پیش مورد توجه واقع شود.

برای سالیان متمادی، تئوری‌های جرم‌شناسی متمرکز بر اعمال مجرمانه متهم بودند و نقش بزه دیده به گونه محسوسی نادیده گرفته می‌شد. سپس گروهی از محققان پی بردند[[2]](#footnote-2) که بزه دیده یک موضوع خنثی در جرم نمی‌باشد بلکه کسی است که رفتارش می‌تواند بر سرنوشتش مؤثر واقع شود [[3]](#footnote-3) بیان می‌کند که بزه دیده ممکن است با نیت قربانی شدن به عمل مجرمانه کمک نماید. در نتیجه تمرکز بر بزه دیده در تشکیل جرم را لازم می‌داند.

1) نقش بزه دیده در تحریک و تشویق به عمل مجرمانه: بزه دیدگان ممکن است منجر به تحریک و تشویق اعمال مجرمانه گردند. مفهوم تحریک و تشویق بزه دیده به وسیله یک محقق [[4]](#footnote-4) در مطالعه قتل در سال 1958 شهرت یافت. او پی برد که بزه دیده جرم اغلب در مرگ خود مداخله دارد و 25% از تمام قتل‌ها می‌تواند در اثر تحریک یا تشویق بزه دیده صورت گیرد. دو نوع از تحریک و تشویق بزه دیده وجود دارد:

الف ـ تحریک و تشویق فعال: وقتی محقق می‌شود که بزه دیده به صورت محرک عمل می‌نماید و از تهدید و واژه‌های نزاع برانگیز استفاده می‌کند یا حمله ابتدایی می‌نماید. برخی از متخصصان پیشنهاد کردند که زنان بزه دیده تجاوز با مهاجمان خود با پوشیدن لباس‌های تحریک کننده یا ادامه رابطه با او همکاری می‌کنند. اگر چه این یافته‌ها نفی شده است. اما دادگاه‌ها در پاره‌ای از موارد در پرونده‌های زنای به عنف اگر اعمال بزه دیده در هر حالتی به عنوان همراهی یا رابطه نامشروع جنسی تفسیر شود، به صدور احکام برائت متوسل شده‌اند. [[5]](#footnote-5)

ب ـ تحریک و تشویق غیر فعال: وقتی که بزه دیده بدون قصد با توجه به خصوصیات شخصیتی که دارد مهاجم را تشویق می‌کند. برای مثال یک زن هدف یک خشونت ابتدایی قرار می‌گیرد وقتی او موقعیت شغلی‌اش ترقی می‌یابد و نتیجه آن پی زنی وی توسط همسرش می‌باشد.

2ـ تئوری‌ نوع زندگی:[[6]](#footnote-6) برخی از افراد ممکن است بزه دیده جرم شوند به دلیل اینکه نوع زندگی آنها امکان اینکه در معرض ارتکاب جرم قرار گیرند را افزایش داده است. خطر بزه دیدگی با چنین اعمالی افزایش می‌یابد: عضویت در کنگ‌ها، اسلحه حمل نمودن، فروش مواد مخدر... امکان بیشتری است که مورد تیراندازی قرار گیرند یا به وسیله گروهی از افراد خودی کشته شوند. این نظریه پیشنهاد می‌کند که یک شخص می‌تواند با کم کردن رفتارهای خطرآفرین امکان بزه دیدگی را کاهش دهد. اساس این نظریه بر این مبناست که جرم یک واقعه اتفاقی نمی‌باشد بلکه بر اساس عملکرد نوع زندگی بزه دیده می‌باشد.

3ـ تئوری فعالیت‌های روزمره (عادی):[[7]](#footnote-7) بر اساس این نظریه عمل مجرمانه به وقوع پیوسته و بزه دیدگی در ارتباط با طبیعت خصوصیات زندگی روزانه در رفتار انسان است.

عدالت ترمیمی نیز از جهات متعددی با عدالت کیفری معاصر تفاوت دارد، نخست آنکه نگرش فراگیر تری به اعمال مجرمانه دارد، بیش از آنکه جرم را صرفاً عملی قانون شکنانه تلقی کند، به این موضوع می پردازد که بزهکاران به بزه دیدگان، جامعه و حتی خودشان لطمه می زنند. دوم آنکه افراد بیشتری را در فرآیند مقابله با جرم دخالت می دهد، علاوه بر بزهکار و دولت، بزه دیدگان و افراد جامعه نیز به همان میزان در جریان قرار می گیرند. در نهایت این سیستم، موفقیت را نیز به گونه ای دیگر ارزیابی می کند، بیش از اینکه به میزان مجازات تحمیل شده توجه کند، میزان آسیب های جبران شده و یا پیشگیری شده را می سنجد. [[8]](#footnote-8)

در این پژوهش به طور دقیق مفهوم بزه دیده و خلاءهایی که در حمایت از وی وجود دارد مورد بررسی قرار می گیرد. و کنکاشی میان نقش بزه دیده در وقوع بزه با عدالت ترمیمی صورت می پذیرد.

**ب - اهمیت و ضرورت پژوهش**

در حقوق کیفری ایران بزه دیده کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در قوانین موجود مقررات تفصیلی راجع به متهم آمده است و ضروری است که قسمتی از مقررات به بزه دیده اختصاص یابد، نهاد دادسرا باید به کمک شاکی بشتابد و وی را در فرایند دادرسی تنها نگذارد. رعایت اصل سرعت و توجه به وی در تحقق عدالت کیفری بسیار موثر است، عدم رعایت مورد مذکور باعث بزه دیدگی ثانویه شاکی می شود که اثر تخریبی آن بیش از بزه دیدگی اولیه است.

خلاء دیگر در این باب این است که دادسرا نهاد تحقیق است، اخذ شکایت شاکی و استماع دعوی شهود باید توسط مقام قضایی صورت گیرد و از ارجاع پرونده به نیروی انتظامی خودداری شود. و همچنین باید توجه کرد که دادگاه در تعیین مجازات باید علاوه بر رعایت تناسب جرم ومجازات، به آثار اجتماعی، روانی و جرم شناسی نیز توجه کند، صدور حکم نامناسب و بی اثر، نتایج مخربی دارد که یکی از آنها ایجاد فشار روانی به شاکی و ایجاد جو بی اعتمادی نسبت به دستگاه قضایی است. وجود اینگونه خلاءها سبب شده تا محقق به بررسی خلاء های قانونی در راستای حمایت از بزه دیده جرایم عمدی بپردازد.

**ج - اهداف پژوهش**

شناسایی خلاءهای موجود در قانون در زمینه حمایت از بزه دیدگان جرایم عمدی که در صورت رفع آنها می تواند متضمن آسایش و ارامش افراد بزه دیده و همچین برقراری عدالت اجتماعی باشد.

1- شناسایی انواع بزه دیدگان مستحق و غیر مستحق در جرایم عمدی.

2- شناسایی راهکارهای حمایتی در جهت جلوگیری از ایراد خسارت در جرایم عمدی.

3- با توجه به مواد قانونی با حفظ اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، با وضع قوانین جدید از وقوع جرایم عمدی جلوگیری نمود.

**د - سوالات پژوهش**

1- نهادهای مدنی در جبران خسارت بزه دیده تا چه اندازه مهم اند و قابلیت اجرایی دارند؟

2- خسارت زدایی جمعی در سیاست جنایی ما در جرایم عمدی چگونه است؟

**هـ- فرضیه پژوهش**

1- به نظر می رسد نهادهای مدنی یک نقش تکمیل کننده در جبران خسارت بزه دیدگان داشته باشد و در اموری همچون میانجی گری می‌‌تواند از ارجاع پرونده ها به دستگاه قضایی بکاهد و با ایجاد مصالحه بین طرفین مشکل را حل کند. جامعه مدنی مکلف به جبران خسارت بزه دیده نیست و به نظر می‌‌رسد نقش آن یک نقش کمکی باشد.

2- به نظر میرسد که برخلاف میانجیگری هدف اجتناب و دوری از نظام کیفری نیست بلکه هدف تکمیل اقدامات دستگاه قضایی و دادسراست. ترمیم خسارت جمعی قربانیان جرم معمولا در مواردی که مباشر جرم معلوم نیست صورت می گیرد. فلسفه جبران خسارت جمعی، همبستگی جامعه با بزه دیده است. به نظر می رسد که در سیاست جنایی ایران جبران خسارت جمعی توسط مقنن مورد توجه قرار گرفته است.

**و - پیشینه پژوهش**

در این زمینه کارها و تحقیقات متعددی صورت گرفته است که از آنها در نگارش این پایان نامه بیشترین استفاده صورت گرفته است لکن در خصوص جرایم عمدی در ایران تحقیقی یافت نشد. با توجه به منابع موجود و کارهای انجام شده در حمایت از افراد بزه دیده و عوامل موثر بر آن هیچ یک از منابع به طور اختصاصی خلاءهای موجود در قوانین ایران را در باب حمایت از افراد بزه دیده در جرایم عمدی را مورد مطالعه قرار نداده اند. در حالی شناسایی خلاءهای قانونی نقش اساسی در تضمین هر چه بیشتر جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار دارد. این کار پزوهشی کاری جدید و کاربردی در زمینه شناسایی خلاءهای قانونی در باب حمایت از بزه دیده میباشد.

**ز - روش تحقیق و ساماندهی آن**

در این تحقیق از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده.

در این پژوهش سعی شده از روش توصیفی با استفاده از ابزار کتابخانه و فیش برداری استفاده شود یعنی از اطلاعات کتابخانه ها و پایان نامه های مرتبط با موضوع مورد بحثمان و همچنین از نشریات و مجلات موجود و مرتبط با موضوع استفاده خواهد شد. به این صورت که به کتابخانه ها مراجعه کرده و تز میان منابع موجود آن دسته از منابعی را که مورد نیازمان است استخراج میکنیم.

این پژوهش از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش دارای دو فصل می‌‌باشد و هر فصل دو مبحث و هر مبحث دو گفتار.

در بخش اول به تبیین مفاهیم، پیشینه و عوامل بزه دیدگی افراد و تدابیر حمایتی و مبانی و اقسام حمایت از بزه دیدگان در دو فصل پرداخته می‌‌شود.

و در بخش دوم نقش بزهکار و دولت در جبران خسارت، مبانی و شیوه اجرای آن مبانی قانونی و همچنین ادله فقهی جبران دولتی خسارت در دو فصل مورد بررسی قرار می‌‌گیرد.

**بخش اول:تبیین مفاهیم،پیشینه و عوامل بزه دیدگی افراد آسیب پذیر و انواع تدابیر حمایتی**

در این بخش سعی می‌‌شود تا در آن معانی بزه دیده و جرم از لحاظ لغوی و اصطلاحی و انواع آن دو و همچنین تاریخچه ی حمایت از بزه دیده و شیوه‎های حمایت از بزه دیدگان در نظام فعلی کیفری اعم از دولتی و غیر دولتی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

این بخش از دو فصل متشکل است در فصل اول به بررسی مفاهیم اصلی موضوع پژوهش پرداخته می‌‌شود، فصل دوم به بررسی عوامل بزه دیدگی و مبانی و اقسام حمایت از بزه دیدگان می‌‌پردازد.

**فصل اول: تبیین مفاهیم و پیشینه حمایت از بزه دیدگان**

در این فصل سعی می‌‌شود تا در آن معانی بزه دیده و جرم عمدی از لحاظ لغوی و اصطلاحی و انواع آنها و همچنین پیشینه حمایت از بزه دیدگان را مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

**مبحث اول: تبیین مفاهیم حمایت از بزه دیدگان**

در این مبحث علاوه بر مفهوم بزه دیده و جرم عمدی به بحث و بررسی انواع این دو پرداخته می‌‌شود.

**گفتار اول: بزه دیدگان و انواع آن**

به نظر می‌‌رسد بزه دیده، بر اساس تصوری که ما از آن داریم، در تمامی جوامع و فرهنگ ها وجود دارد. آنچه مسلم است این‌‌که بررسی و مطالعه ما مبتنی بر فرهنگ خود ماست. در حقیقت مفهوم قربانی بیانگر این مساله می‌‌باشد که آنچه در فرهنگ ما به عنوان قربانی مطرح است به طور اصولی در جای دیگر دارای این عنوان نیست.

جرم شناسی بسیار دیر هنگام به مطالعه بزه دیده پرداخته است و هدف آن از روی آوردن به پژوهش‌‌های بزه دیده شناختی، صرفاً برآوردن کردن رقم سیاه مجرمیت از این طریق می‌‌باشد. تکامل تحقیقات در زمینه بزه دیده شناسی این امکان را فراهم کرد که جرم شناسان آگاهی لازم در زمینه پدیده مجرمانه و همچنین در زمینه بزه دیدگانی که به منزله آماج هایی برای بزهکاران به شمار می‌‌روند را کسب نمایند.

**بخش دوم: مبانی و شرایط جبران خسارت از بزه دیده توسط بزهکار و راهکارهای قانونی آن**

در این بخش سعی می‌‌شود تا در آن مبانی و شرایط جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار و شیوه‎های جبران توسط آن در فصل اول و همچنین مبانی نظری و فقهی جبران خسارت توسط دولت و مبانی قانونی آن در فصل دوم مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

**فصل اول: مبانی و شرایط جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار و الگوهای آن**

به نظر می‌‌رسد یکسری از دغدغه خاطر بزه دیدگان جرائم، پیش از آنکه اجرای مجازات بزهکار باشد، جبران خسارتی است که از رهگذر وقوع جرم متحمل شده‌‌اند. به همین جهت، جبران خسارت بزه دیده نقش بسیار مهمی را در سیاست جنایی داراست و متولیان و مقامات مسئول باید بکوشند برای تحقق آن، از سایر ابزارهای سیاست جنایی استفاده بهینه‌‌ای بکنند. این‌‌که جبران خسارت بزه دیده، شرط بهره مندی بزهکار از نهادهایی همچون آزادی مشروط، تعلیق مجازات ارجاع پرونده به میانجی گری کیفری، تخفیف یا معافیت از مجازات است و نیز این‌‌که جبران خسارت گاهی جایگزین مجازات و گاه به مثابه مجازات است، شواهد خوبی بر مدعای پیشین است. با وجود این عوامل مختلفی باعث شده است که دل بستن به جبران خسارت توسط بزهکار در همه موارد آرزویی عبث و امیدی خام جلوه نماید. در نتیجه ضرورت ها ایجاب نموده است تا دولت به این مهم اقدام کند اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، پی جویی مبانی مطمئن برای این موضوع است که در فصل دوم به آن پرداخته می‌‌شود.

**مبحث اول: جبران خسارت توسط بزهکار**

بدیهی است وقتی جرمی رخ می‌‌دهد و کسی از رهگذر وقوع آن آسیب و خسارت می‌‌بیند، همه نگاه ها در وهله اول متوجه بزهکار است، کسی که با نقض قانون و با مخالفت با اراده قانون گذار به دیگری صدمه وارد کرده است.

**گفتار اول: مبانی و اهداف جبران خسارت توسط بزهکار**

در این گفتار ابتدا در باب جبران خسارت توسط بزهکار نظریه‌‌های مختلفی چون نظریه تقصیر، نظریه منافع، موازنه، نظریه خطر و تضمین حق سپس اهداف جبران خسارت توسط بزهکار را مورد بحث و بررسی قرار می‌‌دهیم.

**بند اول" ‌‌شرایط جبران خسارت**

از مباحث گذشته روشن شد که اولاً ماهیت مسئولیت بزهکار نسبت به جبران خسارت بزه دیده، دین است و مبنای آن هم نظریه تقصیر است. گر چه می‌‌توان در برخی موارد به مبنای دیگری نیز اشاره کرد.

این ها سبب می‌‌شود که اصول و شرایط خاصی بر جبران خسارت بزه دیده توسط بزهکار حاکم باشد که در این گفتار به بررسی برخی از آنها می‌‌پردازیم.

مراد از آن این است که دادگاه در موقع صدور حکم ابتدا باید جبران خسارت بزه دیده را مدنظر داشته باشد و در مرحله بعد حکم به جزای نقدی را، به این معنا که اگر اموال برای جبران خسارت بزه دیده و جزای نقدی کفایت نکند، جبران خسارت بر جزای نقدی ترجیح دارد به عبارت دیگر حق مدعی خصوصی بر مدعی عمومی مقدم است.

مبنای تقدم حق بزه دیده بر حق دولت را می‌‌توان در این نکته دانست که میزان آسیب پذیری بزه دیده حقیقی و امکان تضییع حقوق او در مقابل حقوق عمومی بیشتر می‌‌باشد. [[9]](#footnote-9)

لازم به ذکر است گر چه چنین می‌‌نماید که مبنای این اصل (ترجیح جبران خسارت بر مجازات نقدی) اهمیت دادن به بزه دیده و ترمیم خسارات اوست. اما از منظر توجه به بزه کار نیز می‌‌توان به اصلاح کنندگی بیشتر جبران خسارت نسبت به مجازات ها به طور کلی اشاره کرد.

**الف - 1) لزوم تقاضای زیان دیده یا شاکی خصوصی**

از آنجا که ماهیت مسئولیت بزهکار نسبت به جبران خسارت بزه دیده، دین است و احکام دین بر آن مترتب است، دادگاه هنگامی می‌‌تواند حکم به جبران خسارت دهد که بزه دیده تقاضا کرده باشد و مادام که بزه دیده یا قائم مقام او تقاضا نکرده باشد، دادگاه نمی‌‌تواند به جبران خسارت حکم دهد. اما در صورتی که ماهیت مسئولیت بزهکار مجازات بوده می توانستیم بگوییم که حکم به جبران خسارت نیازمند تقاضای بزه دیده یا قائم مقام وی نیست.

مبنای اصل فوق در حقوق اسلام بر این پایه استوار است که قاضی در حقوق الناس وقتی می‌‌تواند حکم دهد که صاحب حق تقاضای آن را کرده باشد. روایات متعددی در این زمینه از ائمه اطهار (ع) ‌‌وارد شده است از قبیل:

فضیل بن یسار از امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمود:

هر کس نزد امام علیه خود به حق فردی از مسلمین اقرار کند بر امام واجب نیست که حد اقرار شده را اقامه کند تا زمانی که صاحب حق یا ولی او حضور یابند و از امام، حقشان را مطالبه نمایند. [[10]](#footnote-10)

در مواردی که بزه دیدگی عمومی رخ می‌‌دهد مانند استفاده از روغن پالم در شیر خشک و... به خوبی می‌‌توان ضعف نظام کیفری را مشاهده کرد که جرم انگاری و بخشی راجع به این گونه موضوعات ندارد.

**الف -2) قضایی بودن رسیدگی به جبران خسارت**

مراد از این اصل این است که رسیدگی به شکایت و دعوی جبران خسارت بزه دیده و اثبات آن و صدور حکم به جبران خسارت، همه و همه به وسیله ی قوه قضائیه و نهادهای قضایی باید صورت گیرد و خارج از قوه قضائیه نباید صورت پذیرد. [[11]](#footnote-11)

**الف -3) تأثیر تقصیر بزه دیده بر تخفیف یا معافیت بزهکار از جبران خسارت بزه دیده:**

اگر بزه دیده با تقصیر خود اعم از عمد یا غیر عمد، موجب آن شده باشد که بزهکار با ارتکاب جرم خسارتی را به وی تحمیل نماید، بزه دیده از جبران خسارت تمام یا بخشی از خسارت خویش محروم می‌‌شود. پس باید توجه داشت که خسارت ایجاد شده بر اثر تقصیر بزه دیده نباشد که گاهی سبب معافیت بزهکار از جبران خسارت می‌‌شود. [[12]](#footnote-12)

**الف -4) نقد بودن جبران خسارت**

از آنجایی که ماهیت مسئولیت بزهکار دین است و هر دینی حال محسوب می‌‌شود جز این‌‌که طرفین به پرداخت مدت دار آن توافق کرده باشند، بزهکار موظف است پس از صدور حکم و تأیید آن، فوراً خسارت بزه دیده را جبران نماید. [[13]](#footnote-13) مگر آنکه خود آنها به مدت دار بودن آن توافق کرده باشند. [[14]](#footnote-14)

**الف -5) عدم جانشینی جز در موارد استثنایی (شخصی بودن جبران خسارت)**

مراد از این اصل آن است که مسئولیت بزهکار در جبران خسارت بزه دیده، مسئولیتی شخصی است و به دیگران سرایت نمی‌‌کند و در صورت فوت یا جنون یا فرار یا هر حادثه ای، دیگران جانشین وی نیستند و نمی‌‌توان ایشان را به اداء وظیفه بزهکار مجبور کرد، جز در موارد استثنایی مثل این‌‌که بزهکار، خود طلبکار دیگری باشد و یا میان بزهکار و بیمه گر تعهدی در این زمینه منعقد شده باشد و ...

و طبق آیه شریفه «لها ما کَسَبَت و عَلَیها ما اکتَسَبَتْ» [[15]](#footnote-15) و اصل شخصی بودن مسئولیت که اصلی عقلایی است، مسئولیت بزهکار، مسئولیتی شخصی و قائم به فرد اوست.

و البته در برخی مواد ق.م.ا ذکر شده است که اگر بزهکار طفل باشد مسئولیت به عاقله وی منتقل می‌‌شود.

تبصره 2 ماده 375 ق.م.ا چنین مقرر می‌‌دارد که: اگر اکراه شونده طفل صغیر باشد عاقله ی او دیه ی مقتول را می‌‌پردازد و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌‌شود.

در این تبصره طفل بودن اکراه شوند: سبب انتقال مسئولیت وی در پرداخت دیه مقتول به عاقله شده است.

همچنین تبصره ماده 519 ق.م.ا نیز مقرر می‌‌دارد: هر گاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است... .

بند ب ماده 292 نیز جنایتی را که به وسیله صغیر و مجنونی ارتکاب یابد را در حکم خطای محض می داند که در مواردی همچون ماده 466، عاقله را مکلف به پرداخت دیه خطای محض نموده که البته مختص فقط طفل و صغیر نیست و حکم کلی است.

**الف- 6) تناسب مبلغ حکم با درآمد بزهکار**

جبران خسارت بزه دیده نباید منجر به فقر و فاقه بزهکار شود. به همین جهت جدای از مستثنیات دین که شمول جبران خسارت نمی‌‌شوند، حکم به جبران خسارت باید با درآمد بزهکار و وضعیت مالی او متناسب باشد و به گونه‌‌ای نباشد که او را به عسر و حرج و احیاناً ارتکاب جرم به منظور جبران خسارت بیندازد. [[16]](#footnote-16) طبق این اصل باید به بزهکار در صورت عدم تمکین مالی فرصت مناسب داده شود تا وی بتواند خسارت بزه دیده را جبران نماید.

در این زمینه اصول بسیار دیگری وجود دارد که می‌‌توان آنها را مورد بحث قرار داد که از توان این پژوهش خارج است. [[17]](#footnote-17)

**بند دوم) جبران خسارت مازاد بر دیده**

این سوال همواره می‌‌تواند مطرح شود که آیا خسارت مازاد بر دیه قابل جبران است یا خیز؟ بر اساس دیدگاه قبول جبران خسارت مازاد بر دیه، جانی در قبال خسارت زائد بر دیه ضامن است و اگر دیه کفاف مخارج هزینه‌‌های او را ننماید، جانی باید مازاد را پرداخت نماید.

**الف - دلائل دیدگاه قبول خسارت مازاد بر دیه**

**الف - 1) بناء عقلاء یا سیره عقلاء**

قائلین به این دیدگاه بنا عقلا را اینگونه تقریب نموده‌‌اند: عقلا عدم پرداخت خسارت‏های ناشی از جرم را ظلم می دانند و ظلم از طرف خداوند قبیح است و حکم به عدم پرداخت خسارات از طرف خداوند قبیح است ... بنابراین می‌‌توان با بنای عقلا حکم مذکور را اثبات کرد و شارع نمی‌‌تواند از بنای عقلا ردع کند. [[18]](#footnote-18)

استدلال به بنای عقلا از بی اشکالترین دلائل است.

یکی از فقها در این رابطه می گوید: برای اثبات ضامن بودن بزهکار نسبت به هزینه‌‌های درمان از آغاز می‌‌توان به سراغ سیره عقلا رفت شاید بتوان، این استدلال را از بهترین دلائل و بی اشکالترین آنها دانست.[[19]](#footnote-19)

**الف - 2) قاعده لا ضرر**

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می‌‌شود،‌‌قاعده لا ضرر است که مستند، بسیاری از مسائل فقهی می‌‌باشد.

به این بیان که ضامن نبودن بزهکار نسبت به هزینه‌‌های درمان حکمی است ضرری و زیانی به بزه دیده. بنابراین قاعده یاد شده آن را از میان برده و ضامن بودن بزهکار به این راه اثبات می‌‌گردد. [[20]](#footnote-20) البته استدلال به به این قاعده متوقف بر این است که ثابت نماییم این قاعده علاوه بر نفی ضرر جنبه اثباتی نسبت به لزوم جبران ضرر دارد.

**الف- 3) قاعده تسبیب**

قاعده تسبیب که یکی از قواعد متقنه فقه است و بر مبانی و اساس آن هیچ‌‌گونه ایراد و اشکالی وارد نیست عبارت از این است که: هر کسی سبب تلف و خسارت گردد ضامن است هر چند که خود مباشرت به اتلاف و توجه ضرر نداشته باشد باید مال تلف شده را جبران نماید. در مجموع می توان گفت اگر کسی [می‌‌توان جبران را پذیرفت] سبب جنایتی گردد در مقابل آن مسئول است و از آنجایی که این حکم علاقنیست. [[21]](#footnote-21)

**الف - 4) قاعده نفی حرج**

قاعد های در فقه مطرح است، با این عنوان که خداوند از روی لطف و تفضل، احکام حرجی، سخت و مشقت بار را از امت اسلام برداشته است. به بیان دیگر، آنچه از آیات و روایات استفاده می‌‌شود، تکلیف و اجبار به اعمالی که دارای عسر و حرج و مشقت باشد، از سوی خداوند حکیم، منتفی است. به این مسئله قاعده «نفی عسر و حرج» می‌‌گویند. [[22]](#footnote-22)

واژه عسر متضاد یسر و در معنای صعب، تنگ، دشوار، بدخو، مشکل، سخت و سخت‌‌شدن روزگار به کار می‌‌رود. این واژه در قرآن به همان معنا است، چنان که خداوند فرموده است: «فان مع العسر یسرا» [[23]](#footnote-23)

حرج نیز در لغت به معنای ضیق، تنگی، تنگنا، گناه و حرام است، گفته اند حرج در اصل به معنای اجتماع و انبوهی شیء است، به گونه‌‌ای که موجب حصول تصور ضیق و تنگی میان آن اشیاء شود.

در قرآن نیز واژه حرج به معنای ضیق، تنگی، سختی به کار رفته است، چنانچه خداوند می فرماید: «... ما یر یدالله لیجعل علیکم من حرج و لکن یرید لیطهرکم ...» [[24]](#footnote-24)

می‌‌توان چنین گفت که اگر کسی از عهده خسارت مالی یا بدنی و از عمده خسارات بر نیاید او را در معرض ضیق و تنگی قرار داده است و این از نظر شارع ممنوع است. پس باید خسارت وارده شده را جبران کند چه از راه پرداخت دیه و پرداخت غیر دیه. [[25]](#footnote-25)

**بحث، نتیجه گیری و پيشنهادات**

**بحث و نتيجه گيري**

بزه دیده شناسی حمایتی نام رویکرد نوینی در مطالعات علوم جنایی است که به دنبال ملاحظات انسان نیمه دوم قرن بیستم جنبه جهانی یافته است.

تکامل دانش جرم شناسی در سال‌‌های اخیر به حدی رسیده است که علاوه بر پرداختن به امور بزهکاران، ‌‌توجه خود را به بزه دیدگان جرائم نیز معطوف داشته است. جرم شناسی امروزه، ‌‌ارتکاب بزه و بزهکاری را به نمایشی تشبیه کرده است که هم بزهکار در آن ایفای نقش می‌‌کند و هم بزه دیده. بنابراین هر کدام از مجرم و مجنی علیه در صحنه بزهکاری، نقشی دارند و نباید یکی را نادیده گرفت و فقط به دیگری پرداخت برای بررسی و تحقیق بر روی بزه دیده، ضرورت اطلاعات خاص و تخصصی در خصوص بزه دیدگان، ایجاب می‌‌نماید و در همین راستا، دانش جدیدی به نام «بزه دیده شناسی» پا به عرصه وجود نهاد «بزه دیده شناسی» که در ابتدا به هدف پیدا نمودن و کشف علل بزه دیده واقع شده و مبارزه با آن و همچنین به هدف اصلاح بزه دیدگان روی کارآمد، رفته رفته، مسیر کاری خود را عوض نموده و رنگ دیگری به خود گرفت و در نتیجه از هدف اولیه خود دور افتاد. همانگونه که در فرضیه اول گفته شد بزه دیده شناسی مسیر خود را به سوی دیگری تغییر داد و توجه خود را به حمایت از بزه دیده و جلوگیری از بزه دیده ثانوی وی جلب نمود و این حمایت به گونه‌‌ای بود که در بسیاری موارد بزه دیده در تعیین کیفر هم می‌‌تواند تاثیرگذار باشد، در تخفیف و تعلیق و آزادی مشروط و ... .

مفهوم بزه دیده و بزهکار، از بزه جدا نیست و در نتیجه هر معنایی که بزه دارد، در بزه دیده و بزهکار و سایر مشتقات این واژه نمود دارد. بزه در این پژوهش در معنای کیفری آن می‌‌باشد یعنی فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات پیش‌‌بینی شده است. به نظر می‌‌رسد بهتر است بزه دیده را چنین تعریف نمایم: «شخصی است حقیقی یا حقوقی که در پی وقوع فعل یا ترک فعل مجرمانه، متحمل ضرر مادی، جسمی، روانی و یا معنوی شده است یا در معرض خطر واقع شده است و یا به یکی از حقوق اساسی به رسمیت شناخته شده قانونی او لطمه وارد آمده است».

در اوایل به بزه دیدگان فقط به عنوان «کسانی که مظلوم جرم واقع شده‌‌اند»‌‌ و کسانی که مستحق جبران خسارت هستند، نگریسته می‌‌شد اما امروز بزه دیده به عنوان فردی که ممکن است در ارتکاب بزه از سوی بزهکار نقش داشته باشد یا مرتکب جرائم دیگر شود، به حساب می‌‌آید، پس سیاست تعدیل و کنترل چنین شخصی،

**پیشنهادات**

1 - ایجاد فرصت های شغلی مناسب برای بزه دیدگان بالقوه و آسیب پذیر، خصوصاً نوجوانان و زنان فاقد سرپرست.

2 - با همکاری جامعه مدنی و سازمان و انجمن‌‌های غیر دولتی امکاناتی چون، صندوق های خیریه، ارائه و مشاوره و دادن اطلاعات حقوقی به بزه دیدگان در خصوص حقوق قانونی آنها، کمک های پزشکی و روانی و ... را برای بزه دیدگان فراهم آورند.

3 - قانون گذار به طور صریح، خسارت‏های معنوی را در جرم‌‌های مختلف برای بزه دیدگان مشخص نموده و حکم به جبران آنها و نحوه احتساب آنها را نیز در قانون مربوط را پیش‌‌بینی نماید.

4 - در دادگاه ها دفاتری جهت پیگیری اجرای کمک به بزه دیدگان برقرار شود.

5 - روان شناسان مجرب، برای کمک به بزه دیدگانی که آسیب شدید روحی دیده اند، در نظر گرفته شود و در صورت نیاز بزه دیده به آن معرفی شود.

6 - بودجه ای برای کمک به بزه دیدگان هر ساله مشخص شود تا حمایت مادی از بزه دیدگان به تعویق نیفتد.

7 - فرهنگ سازی کمک به صندوق ها خیریه کمک بزه دیدگان در سطح ملی انجام گیرد.

8 - در مقابل پذیرش و معاینه افراد بزه دیده که توانایی پرداخت هزینه‌‌های پزشکی قانونی و معاینات را ندارند، از هزینه دولت وجود داشته باشد.

9 - تصویب موادی در خصوص بزه دیدگی های عمومی، از جمله: بزه دیدگی در اثر استفاده از روغن پالم در کارخانجات و مانند آنها.

**فهرست منابع و ماخذ**

قرآن مجید

نهج البلاغه

**فهرست منابع فارسي**

1. آخوندی، حمید،(1375). *سیاست جنایی سازمان ملل متحد در زمینه بزه دیدگان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
2. ابراهیمی، پیمان،(1385). *تأثیر جنبش های بین المللی بزه دیده شناسی حمایتی در مقررات دادرسی کیفری ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، 1385.

**فهرست منابع غیر فارسی**

1. ابن البراج، القاضی،(1406 هـ .ق). *المذهب*، ج دوم، موسسه نشر اسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم.
2. اردبیلی، مولی احمد،(1403 هـ ق). *مجمع الفایده و البرهان*، ج 13، جامعه مدرسین، چ اول، قم.

**Abstract**

Compensation of the damage resulted from committing a crime can be always proposed as one of the main concerns. In order to guarantee and facilitate the compensation, various strategies have been proposed by the legislator.

The most important concerning issue in committing a crime is compensating the victim’s damages. In the first step, all eyes are on the delinquent, the one who by committing a crime has damaged someone else. But the reality is that being hopeful to compensation in all cases by the offender is a vain hope and an unattainable dream; inevitably, the offender must search for other people to do so, such as the government.

The most important concern of the victims of offenses, before executing the offender’s retribution, is compensating the damages they have borne due to such offense. For this reason, compensating the victim’s damages has a very important role in the criminal policy and the in charge persons and superintendants always make efforts in this regard, and also there is another noteworthy point that compensating the damages is sometimes as an alternative for the punishment and sometimes in lieu of the retribution.

Today, the governmental compensation of the damage is one of the most important instruments of criminal policy in some countries. Although, from a legal view, we cannot give any civic liability bases to this principle, the government can be given a civic liability in case of murder from the jurisprudential view. However, the point that the governmental compensation of damage for all crimes is not accepted in all countries and it is limited to some specific crimes, may suggest a principle which the subject of discussion is based on the government’s social liability and not its civic liability. The governmental compensation of the victims’ damages in Iran’s law doesn’t take benefit from necessary statutory and executive supports, and the domain of victimology due to some evolutions has not been supported. Subjecting the cases of governmental compensation of the victims’ damages to vague conditions such as the victim’s innocence, lack of deserving execution by the victim, and also anticipating the liability of compensation for a woman sane offender, has practically ambiguated the fate of limited supporting mechanisms anticipated in the Islamic Retribution Law.

**Keywords: Victim, Offender, Deliberate crime, Compensation, Criminal Policy**



**ISLAMIC AZAD UNIVERSITY**

**E- Campus**

**Thesis for Receiving (M.A) Degree on** **Law Retribution and Criminology Faculty of Human Sciences**

**Subject**:

**The Duty of Government in Compensation of the Victims of Deliberate Crimes**

Supervisor:

**Dr. Alireza Milani**

Advisor:

**Dr. Fatemeh Mohammadi**

Written by:

**Kobra Kounani**

Summer 2013

1. - همانند جرم انگاری در قتل (عمد، شبه عمد، خطای محض)، قطع عضو و نقص عضو و ... [↑](#footnote-ref-1)
2. - الستی، ساناز و حسن پور، معصومه، بزه دیده شناسی و پیشگیری از بزه دیدگی، مجله دادرسی، شماره 56، خرداد و تیر 1385. [↑](#footnote-ref-2)
3. - stephens chofer [↑](#footnote-ref-3)
4. - murvin zolf kong [↑](#footnote-ref-4)
5. - الستی، ساناز، حسن پور، همان ماخذ. [↑](#footnote-ref-5)
6. - الستی، ساناز و حسین پور معصومه، همان ماخذ. [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان ماخذ. [↑](#footnote-ref-7)
8. - http://www.uninlaw.ir [↑](#footnote-ref-8)
9. - شمس، سید محمد، انواع حمایت از بزه دیده در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مفید، آبان 1384، ص 85. [↑](#footnote-ref-9)
10. - عاملی، حر، وسایل الشیعه، ج 28، موسسه آل البیت علیهم السلام، سوم، قم، 1416 هـ .ق [↑](#footnote-ref-10)
11. - برای مطالعه بیشتر: ر.ک: حاجی ده آبادی، احمد، ماخذ پیشین، صص 85 - 84. [↑](#footnote-ref-11)
12. - برای مطالعه بیشتر: ر.ک: آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، ماخذ پیشین، ص 268. [↑](#footnote-ref-12)
13. - برای مطالعه بیشتر ر.ک: ماده 3.ق.م.م. [↑](#footnote-ref-13)
14. - اصولاً و عرفاً جبران خسارت به صورت «نقد» است. [↑](#footnote-ref-14)
15. - سوره مبارکه انعام / آیه شریفه 164. [↑](#footnote-ref-15)
16. - برای مطالعه بیشتر: ر.ک: حاجی ده آبادی، احمد، مطالعه تطبیقی جبران خسارت بزه دیده، به هزینه دولت و نهادهای عمومی، ماخذ پیشین، صص 89 - 88. [↑](#footnote-ref-16)
17. - ماخذ پیشین، صص 92 - 80. [↑](#footnote-ref-17)
18. - مرعشی شوشتری، سید محمد، دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، تهران، شماره 1، 1370. [↑](#footnote-ref-18)
19. - هاشمی شاهرودی، سید محمود، بایسته های فقه جزا، نشر میزان، چ اول، تهران، 1378، ص 135. [↑](#footnote-ref-19)
20. - ماخذ پیشین، ص 135. [↑](#footnote-ref-20)
21. - ماخذ پیشین، ص 135. [↑](#footnote-ref-21)
22. - http//www.islamquest.net. [↑](#footnote-ref-22)
23. - سوره مبارکه شرح / آیه شریفه 5. [↑](#footnote-ref-23)
24. - سوره مبارکه مائده / آیه شریفه 6. [↑](#footnote-ref-24)
25. - مرعشی شوشتری، سید محمد، ماخذ پیشین، [↑](#footnote-ref-25)